صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

قاچاق

سرشبکه باند قاچاق سوخت دستگیر شد

فرمانده مرزبانی هرمزگان از دستگیری یکی از سرشبکه‌های قاچاق سوخت توسط مرزبانان خبر داد. به‌گفته سردار بهادر اسماعیلی، از این مرد و همدستانش تاکنون چند خودروی لوکس خارجی، یک لنج تجاری و ۲واحد منزل مسکونی توقیف و تعداد ۴ لنج و ۱۵دستگاه خودرو و ۷واحد مسکونی نیز شناسایی شده است.

انتظامی

اعتراف زورگیران به سرقت از ۲۰نفر

۲سارق زورگیر که با تهدید چاقو دست به سرقت اموال عابران پیاده در خیابان‌های تهران می‌زدند، دستگیر شدند. این دو سارق قصد سرقت از یکی از طعمه‌هایشان را داشتند که مأموران متوجه آنها شدند و هر دو را دستگیر کردند. آنها در بازجویی‌ها به سرقت از ۲۰نفر اعتراف کردند.

سارق سابقه‌دار نقش مأمور آب را بازی می‌کرد و دست به سرقت از خانه‌ها می‌زد

افتادن کلاه گیس، دزد مسلح را لو داد

گزارش
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

مجرم سابقه‌دار گریم می‌کرد و کلاه‌گیس بر سرش می‌گذاشت تا نقش مأمور آب را بازی کند. او با تهدید کلت، طعمه‌هایش را گروگان می‌گرفت تا نقشه سرقت‌هایش را عملی کند، اما در آخرین سرقت، کلاه‌گیس او افتاد و دستش رو شد.

به‌گزارش همشهری، از اوایل فروردین امسال، کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی تهران در جریان سرقت‌های سریالی مردی مسلح قرار گرفتند که نقش مأمور آب را بازی می‌کرد. یکی از مالباخته‌ها به مأموران گفت: وقتی زنگ خانه‌مان را زدند، آیفون را برداشتم و مردی مدعی شد مأمور آب است. در را باز کردم، اما بار دیگر او زنگ آیفون را زد و وقتی برداشتم، مدعی شد که کنتور آب خراب است. برای بررسی بیشتر به مقابل در رفتم و داخل حیاط آن مرد ناگهان لوله اسلحه‌اش را زیر گلویم گذاشت و گفت اگر حرفی بزنم شلیک می‌کند. او با تهدید مرا به داخل خانه کشاند و دست و پای من و بچه‌هایم را با چسب و پارچه بست. سپس جای پول‌ها و طلاها را پرسید و هرچه اموال قیمتی داشتیم را به سرقت برد.

دزد حرفه‌ای

با این شکایت، پرونده‌ای تشکیل شد و با توجه به حساسیت موضوع، گروهی از مأموران اداره یکم پلیس آگاهی تهران تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری سارق مسلح آغاز کردند. درحالی که تحقیقات ادامه داشت چند شکایت مشابه دیگر هم پیش روی تیم تحقیق قرار گرفت؛ شکایت‌هایی که نشان می‌داد سارق مسلح به‌صورت سریالی و در نقش مأمور آب نقشه‌های مجرمانه خود را پیش می‌برد. او در تمام سرقت‌های خود خانه‌های ویلایی و قدیمی را انتخاب می‌کرد و با تهدید اسلحه دست و پای صاحبخانه و دیگر ساکنان خانه را می‌بست و دست به سرقت اموال قیمتی می‌زد. با این حال او کاملا حرفه‌ای عمل می‌کرد و حتی با چهره‌نگاری و بررسی دوربین‌های مداربسته هم هیچ سرنخی از وی به‌دست نیامد.

اتفاق عجیب

درحالی که تحقیقات برای دستگیری سارق مسلح ادامه داشت، او در آخرین سرقتش وارد خانه‌ای در جنوب تهران شد و دست و پای صاحبخانه را بست تا اموال باارزش آنها را سرقت کند، اما یکی از اعضای خانه که در حمام بود، وقتی متوجه حضور سارق مسلح شد، وی را غافلگیر کرد و با او درگیر شد. در این درگیری سارق مسلح موفق به فرار شد، اما کلاه‌گیس او از سرش افتاد و همین باعث شد تا چهره واقعی‌اش در دوربین‌های مداربسته ثبت شود. وقتی مأموران به بررسی تصویر او پرداختند، معلوم شد که وی از مجرمان سابقه‌دار است و با شناسایی هویتش، کارآگاهان موفق شدند او را دستگیر کنند. این مرد در بازجویی‌ها به سرقت سریالی از خانه‌ها اعتراف کرد و تحقیقات از وی ادامه دارد.

گفت و گو

رکب خوردم

متهم دستگیر شده، مجرمی سابقه‌دار است که چندین‌بار به جرم سرقت منزل دستگیر و زندانی شده است. گفت‌وگو با وی را می‌خوانید.

از کی سرقت‌هایت را شروع کردی؟
از فروردین امسال، اما وسط راه ترسیدم مبادا شناسایی و دستگیر شوم؛ به همین دلیل سرقت‌هایم را متوقف کردم. چندماه سرقتی انجام ندادم، اما از دی‌ماه مجددا شروع کردم.

قبلا به چه جرمی دستگیر شده بودی؟
قبلا به‌صورت باندی کار می‌کردم، اما سهم زیادی گیرم نمی‌آمد. ریسک ورود به خانه‌ها با من بود، اما همه اعضای باند سهم مساوی می‌گرفتیم. در نهایت هم با دستگیری یکی از اعضای باند، من هم لو رفتم و دستگیر شدم و همگی به زندان افتادیم. بعد از آن بود که تصمیم گرفتم تنهایی کار کنم و شریکی نداشته باشم.

آخرین بار کی از زندان آزاد شدی؟
۶ماه قبل از عید.

چه شد که این بار تصمیم گرفتی نقش مأمور آب را بازی کنی؟
یک روز رفته بودم خانه دوستم که فردی زنگ زد و گفت مأمور آب است. دوستم هم بدون اینکه چیزی از او بپرسد در را باز کرد. آنجا بود که ایده این سرقت‌ها به ذهنم رسید.

در آخرین سرقت چه اتفاقی رخ داد که لو رفتی؟
رکب خوردم. نقشه من این بود که ابتدا گریم می‌کردم و کلاه‌گیس می‌گذاشتم تا چهره‌ام مشخص نشود؛ چون سابقه‌دارم، صورتم را با گریم کاملا تغییر می‌دادم. سپس با تهدید اسلحه وارد خانه‌ها می‌شدم، دست و پای افراد را می‌بستم و جای پول و طلاهایشان را می‌پرسیدم. در آخرین سرقت، یکی از اعضای خانواده از ترسش رفت در حمام پنهان شد. من او را ندیدم و بعد از سرقت که می‌خواستم از خانه خارج شوم او به‌دنبالم دوید تا مانع فرارم شود. من اما نمی‌خواستم شلیک کنم و مرتکب قتل شوم. با مالباخته درگیر شدم، اما جدال ما موجب شد تا کلاه‌گیسم شل شود و از سرم بیفتد. اصلا حواسم نبود که دوربین‌های اطراف خانه، چهره مرا ثبت می‌کنند و دستگیر می‌شوم.

با پول‌های سرقتی چه می‌کردی؟
خوشگذرانی و قمار می‌کردم.

بخشش عامل جنایت چهارشنبه‌سوری

دادسرا

«من و همسرم وقتی پسر جوان را در دادگاه دیدیم که اشک می‌ریخت و پشیمان بود، دل‌مان لرزید و گفتیم او را می‌بخشیم، بقیه‌اش با خدا»؛ این حرف‌های مردی است که کمتر از یک‌سال از قتل پسر جوانش در شب چهارشنبه آخر سال می‌گذرد؛ اما در تصمیمی بزرگ قاتل پسرش را بدون هیچ قیدوشرطی بخشید.

به گزارش همشهری، این پرونده از شب چهارشنبه آخر سال ۱۴۰۲ گشوده شد. آن شب پسر ۲۴ساله‌ای به نام شایان علی‌محمدی که در جریان درگیری خیابانی از سوی ۳جوان با چاقو مجروح شده بود به یکی از مراکز درمانی شهر پردیس منتقل شد. او از ناحیه ران پا هدف اصابت چاقو قرار گرفته و دچار خونریزی شدیدی شده بود. آنطور که پزشکان می‌گفتند چاقو به سفیدران شایان اصابت کرده بود و او شرایط وخیمی داشت. با اینکه کادر درمان تلاش زیادی برای نجات پسر جوان انجام دادند، اما ساعتی بعد او روی تخت بیمارستان جانش را از دست داد.

در تعقیب عاملان جنایت

به‌دنبال این حادثه تلخ تلاش‌های پلیس برای شناسایی و دستگیری عاملان جنایت آغاز شد. شواهد نشان می‌داد شب حادثه درحالی که خیلی‌ها مشغول مراسم چهارشنبه سوری بوده‌اند، ۳پسر جوان ناگهان با مقتول درگیر شده‌اند و یکی از آنها برای او چاقو کشیده‌است. آنطور که شاهدان می‌گفتند، هر ۳متهم کم‌سن‌وسال بوده‌اند و معلوم نیست با چه انگیزه‌ای با پسر جوان درگیر شده‌اند. به‌هرحال مأموران موفق شدند در کوتاه‌ترین زمان هر ۳متهم را دستگیر کنند.

هر ۳متهم به درگیری مرگبار با مقتول اعتراف کردند؛ اما یکی از آنها که جوانی ۲۰ساله بود اعتراف کرد که ضربه مرگبار را او به مقتول زده‌است. در این شرایط بود که پرونده اتهامی وی با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

شایان، مقتول

در دادگاه

چند روز قبل در شرایطی که کمتر از یک‌سال از وقوع این جنایت می‌گذشت، جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد. در این جلسه ابتدا نماینده دادستان به دفاع از کیفرخواست پرداخت و خواستار مجازات متهم ردیف‌اول به اتهام قتل عمد و ۲متهم دیگر به‌خاطر مشارکت در نزاع دسته‌جمعی منجر به‌قتل شد. در ادامه نوبت به اولیای دم رسید تا خواسته‌شان را مطرح کنند. پدر و مادر شایان یک‌به‌یک در جایگاه ایستادند و اعلام کردند خواسته‌شان قصاص قاتل است. در ادامه متهم به‌قتل به دفاع از خود پرداخت و گفت قصدی برای به‌قتل‌رساندن مقتول نداشته و این حادثه ناخواسته اتفاق افتاده‌است. او سپس رو به پدر و مادر مقتول کرد و از آنها خواست به جوانی‌اش رحم کنند و او را ببخشند. او گفت: من و ۲برادرم بعد از فوت پدر و مادرمان با خواهر و شوهرخواهرمان زندگی می‌کنیم. از پدر مقتول می‌خواهم برایم پدری کند و من را ببخشد. این جلسه درنهایت با اخذ آخرین دفاع از متهم پایان یافت و قضات دادگاه برای تصمیم‌گیری و صدور رأی وارد شور شدند.

در پایان جلسه متهم برای چند لحظه فرصت پیدا کرد تا با پدر و مادر مقتول صحبت کند. او که دست‌وپایش می‌لرزید و اشک می‌ریخت از آنها خواست او را ببخشند.

مکث

بخشش بی‌قیدوشرط

صحنه‌هایی که پدر و مادر شایان در دادگاه دیده بودند برایشان تلخ و تأثیرگذار بود. آنها در راه بازگشت به پردیس چهره قاتل را بارها به یاد آوردند که چطور برای نجات جانش به آنها التماس می‌کرد. همانجا بود که پدر و مادر داغدیده شایان دل‌شان لرزید و تصمیم گرفتند قاتل را ببخشند.

سعید علی‌محمدی، پدر شایان درباره دلیل این تصمیمش به همشهری می‌گوید: وقتی قاتل پسرم را در دادگاه دیدم همه صحنه‌های تلخی که دیده بودم جلوی چشمم آمد. ما در دادگاه درخواست قصاص کردیم؛ اما در راه برگشت وقتی چهره قاتل را به یاد آوردیم که چطور التماس می‌کرد، تصمیم گرفتیم او را ببخشیم. او ادامه می‌دهد: واقعیت را بخواهید همسرم اول پیشنهاد بخشش را داد و من هم موافقت کردم. ما نه اهل گرفتن دیه هستیم و نه دل قصاص‌کردن کسی را داریم؛ حتی اگر قاتلِ پسرمان باشد. ما به عشق حضرت علی(ع) قاتل را بخشیدیم و بقیه‌اش را واگذار کردیم به خدا. بعد از آن بود که در نخستین فرصت به یکی از دفاتر خدمات قضایی رفتیم و رضایت‌مان را اعلام کردیم. ما از قاتل گذشتیم؛ امیدواریم که خدا هم او را ببخشد و مطمئنم که شایان هم از تصمیمی که ما گرفتیم راضی و روحش در آرامش است.

توهم عجیب مردی که سرباز جوان را زیر گرفت

مردی که سرباز یکی از پادگان‌های جنوب تهران را با ماشینش زیر گرفته و او را به قتل رسانده است، ادعا می‌کند دچار توهم شده بود.

به گزارش همشهری، شامگاه پنجشنبه گذشته به تیم جنایی پایتخت خبر رسید که سرباز یکی از پادگان‌های جنوب تهران در یک تصادف عمدی به قتل رسیده است. با اعلام این گزارش، تیم جنایی در محل حادثه حاضر شدند و تحقیقات خود را آغاز کردند. بررسی‌ها نشان داد که حادثه در ورودی پادگان رخ داد و قسمتی از در ورودی تخریب و یک سرباز جان باخته و یکی از پرسنل پادگان نیز با ضربات قمه زخمی شده است. فرد مجروح به بیمارستان منتقل شد و در جریان تحقیقات به کارآگاهان گفت: داخل پادگان بودم که سر و صدایی از بیرون شنیدم. فورا به سمت در ورودی رفتم و در آنجا با صحنه هولناکی مواجه شدم. یک دستگاه خودروی جک را دیدم که راننده‌اش با ماشین به در ورودی پادگان می‌کوبید. راننده جک ناگهان، سرباز پادگان را نیز با ماشینش زیر گرفت و من با دیدن این صحنه هولناک به سمت خودروی جک رفتم اما راننده پیاده شد و با قمه به سمتم حمله کرد. او ضرباتی به من زد و سپس سوار ماشین شد و به همراه مرد جوانی که سرنشین خودرو بود، فرار کردند. کارآگاهان جنایی در گام نخست به بررسی شماره پلاک خودروی جک پرداختند که مشخص شد صاحب آن، زنی میانسال است. این زن اما مدعی بود که خودرو در اختیار پسرش شایان بوده است. شایان دستگیر شد اما ادعای عجیبی را مطرح کرد. او گفت: شب حادثه ماشین مادرم را امانت گرفتم و به همراه دوستم بهنام برای تفریح بیرون رفتیم.

وی ادامه داد: آن شب مشروبات الکلی مصرف کردیم و من که زیاده‌روی کرده بودم دچار توهم شدم. وقتی به مقابل پادگان رسیدیم، تصور کردم که آنجا پارک است و سربازی که آنجا بود نمی‌خواهد اجازه دهد که وارد پارک شویم. به همین دلیل آن اتفاق را رقم زدم و حالا هم پشیمانم.

ماموران در گام بعدی، بهنام را دستگیر کردند و او در بازجویی‌ها گفت: شب حادثه در حالت عادی نبودیم و شایان که در مصرف مشروبات الکلی زیاده‌روی کرده بود، اصلا حال خوبی نداشت. ناگهان مقابل پادگان توقف کرد و گفت برویم داخل پارک. هرچه به او گفتم اینجا پارک نیست و پادگان است قبول نمی‌کرد. آن شب شایان، با ماشین محکم به در پادگان کوبید و فریاد زد که در را باز کنید. در همان لحظه، سرباز جوان به نشانه اعتراض به سمت ما آمد که شایان با ماشین او را زیر گرفت. او ادامه داد: من شوکه بودم و هرچه به شایان می‌گفتم اینجا پادگان است، متوجه نمی‌شد. ناگهان یکی از پرسنل پادگان به سمت ما آمد و به شایان اعتراض کرد. شایان هم قمه‌ای از داخل ماشین برداشت و به او حمله و وی را زخمی کرد. سپس هردو فرار کردیم. براساس این گزارش، هردو متهم با قرار قانونی بازداشت شده‌اند و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

بسته خبری خارجی

مرگ؛ پایان ۵۶سال فرار قاتل سریالی

پرونده قاتل سریالی که ۵۶سال پیش موفق شده بود از زندان فرار کند، با مرگ او برای همیشه بسته شد.

به‌گزارش همشهری به نقل از سی‌بی‌اس، چند روز پیش دفتر کلانتر شهرستان جکسون در کانزاس‌سیتی آمریکا تماس عجیبی دریافت که راز ۵۶ساله یک قاتل سریالی را فاش کرد. فردی ناشناس در تماس با پلیس گفت زنی که ۵۶سال پیش از زندان زنان فرار کرده بود، در آلبرتای کانادا به‌دلیل کهولت سن جان باخته است. تماس گیرنده ناشناس از زنی به نام شارون الیزابت کین صحبت می‌کرد. یک قاتل سریالی که در سال ۱۹۶۴ به اتهام قتل ۳مرد دستگیر شده بود. این زن در آن سال‌ها مدعی شده بود که هر سه مردی که وی به قتل رسانده، افرادی هستند که او را مورد آزار و اذیت قرار داده بودند و به همین دلیل از آنها انتقام گرفته است. او در همان زمان به اتهام قتل ۳نفر به حبس ابد محکوم شد و به زندان زنان کانزاس‌سیتی افتاد اما کمی بعد توانست در هنگام هواخوری زندانیان، از آنجا فرار کند. او پس از فرار از زندان تحت تعقیب قرار گرفت اما به‌دلیل اینکه در این سال‌ها هویتش را تغییر داده بود، هرگز شناسایی نشد، حالا اما تماس گیرنده ناشناس مدعی بود که این قاتل سریالی پس از فرار از زندان به کانادا گریخته و در آنجا زندگی می‌کرده تا اینکه به‌دلیل کهولت سن جان باخته است. به‌دنبال این تماس، مأموران پلیس وارد عمل شدند و در تماس با پلیس کانادا معلوم شد زنی با مشخصات قاتل فراری در شهر آلبرتا فوت شده است. مأموران با بررسی اثر انگشت این مرد، مطمئن شدند که او همان قاتل فراری بوده و به این ترتیب با مرگ وی در سن ۸۱سالگی پرونده‌اش نیز بسته شد.

دستگیری دوباره قاتل بدنام

دستگیری دوباره قاتل بدنام کانادایی که با آزادی مشروط بیرون از زندان به سر می‌برد، از دیگر اخبار حوادث رسانه‌های دنیا در روز گذشته بود. به گزارش رسانه‌های کانادا، این قاتل زن که کلی آلارد نام دارد و ۴۱ساله است، اهل بریتیش کلمبیای کاناداست و به نام «کری سیم» شناخته می‌شود. او ۲۸سال پیش وقتی یک دختر نوجوان بود، دختر ۱۴ساله‌ای به نام رینا را به‌شدت کتک زد. سپس او را به داخل رودخانه انداخت و سر وی را آنقدر زیر آب نگه داشت که رینا ۱۴ساله جانش را از دست داد. دختر قاتل پس از این جنایت جسد رینا را در کنار رودخانه رها کرد و گریخت تا اینکه بعد از ۸روز جسد مقتول پیدا شد و سرنخ‌ها و تحقیقات، پلیس را به کری رساند. بدین‌ترتیب وی به اتهام قتل به حبس ابد محکوم شد و به زندان افتاد و این در حالی بود که جنایت هولناک او، باعث خشم بسیاری از مردم شهر شده بود. کری بعد از چندین سال تحمل حبس، مدتی قبل درخواست آزادی مشروط دارد که با درخواستش موافقت و او آزاد شد. اما طولی نکشید که به اتهام درگیری و خرید و فروش موادمخدر بار دیگر دستگیر و روانه زندان شد. به‌گفته قاضی دادگاه کانادا، او به‌شدت برای جامعه خطرناک است و در این شرایط بعید است که بار دیگر مشمول آزادی مشروط شود.

کلاهبرداری

کلاهبرداری از ۳۰۰نفر با وام خیالی

مردی که با راه‌اندازی شرکتی به بهانه پرداخت وام دست به کلاهبرداری میلیاردی از ۳۰۰نفر زده بود دستگیر شد.

به گزارش همشهری، به‌دنبال شکایت ده‌ها نفر از یک هلدینگ با نام معتبر که در زمینه پرداخت انواع وام‌های بانکی فعالیت داشت، تحقیقات کارآگاهان مبارزه با جعل و کلاهبرداری فراجا در این پرونده آغاز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که شرکت مذکور در یکی از شهرستان‌های اطراف تهران با تبلیغ پرداخت انواع وام‌های بانکی در اقصی‌نقاط کشور اقدام به دریافت پول، چک و سفته از ۳۰۰نفر جهت ضمانت وام‌ها کرده اما هیچ وامی به شاکیان پرداخت نکرده است. سرهنگ عبدالله چولکی، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی فراجا گفت: مدیر این شرکت فرصت‌طلب برای جلب اعتماد اولیه و تبلیغ خود به تعدادی از متقاضیان، وام اعطا و سپس با مدیریت زمان و جذب مبلغی هنگفت از مال‌باختگان به همراه چک و سفته‌ها متواری شده بود. وی توضیح داد: با انجام اقدامات اطلاعاتی و پلیسی، هویت اصلی متهم شناسایی و وی طی یک عملیات غافلگیرانه در مخفیگاهش دستگیر شد. به‌گفته سرهنگ چولکی، این فرد ضمن اعتراف به کلاهبرداری ۳میلیارد تومانی از شاکیان با قرار مناسب روانه زندان شد.

خبر خوب

فداکاری سرباز وظیفه برای دستگیری سارق

سرباز یکی از کلانتری‌های غرب استان تهران که در تلاش برای دستگیری سارق به چاه سقوط کرده بود، نجات یافت.

به گزارش همشهری، این حادثه در منطقه صالحیه شهرستان بهارستان اتفاق افتاد. شامگاه پنجشنبه، مأموران پلیس هنگام گشت‌زنی به سرنشینان یک دستگاه خودرو پراید مشکوک شدند و وقتی پی بردند خودرو سرقتی است، به تعقیب آنها پرداختند. سارقان در ادامه فرارشان به سوی بیابان‌های اطراف صالحیه بهارستان رفتند تا اینکه ماموران موفق شدند یکی از سارقان را دستگیر و خودرو مسروقه را توقیف کنند. در حالی که معلوم نبود دومین سارق کجا فرار کرده است، یکی از سربازان به تعقیب او پرداخت اما در تاریکی هوا ناگهان در یک چاه سقوط کرد. به‌دنبال این حادثه، تیم‌های امدادی خود را به محل حادثه رساندند و موفق شدند این سرباز وظیفه‌شناس را از چاه بیرون بکشند و به وسیله امدادهوایی به مرکز درمانی منتقل کنند. این سرباز وظیفه دچار شکستگی شده، اما وضعیت عمومی خوبی دارد و تلاش پلیس برای دستگیری همدست سارق ادامه دارد.

آموزش

چطور رسیدهای جعلی را تشخیص دهیم؟

یکی از مهم‌ترین ترفندهای کلاهبرداران استفاده از رسیدهای جعلی است. آنها با استفاده از نرم‌افزارهای مخصوص که به‌عنوان رسیدساز شناخته می‌شوند، بعد از خرید کالا به فروشنده رسید جعلی ارائه می‌کنند. اما چطور می‌شود رسیدهای جعلی را تشخیص داد؟ فرزانه‌سادات ابوالقاسمی، وکیل دادگستری می‌گوید: مهم‌ترین راه تشخیص رسید کارت به کارت تقلبی مربوط به شماره پیگیری آن است. می‌توانید صحت شماره پیگیری را از طریق اپلیکیشن‌های موبایل بانک یا تماس مستقیم با پشتیبانی بانک بررسی کنید. نکته دیگر اینکه این احتمال وجود دارد مواردی در جزئیات تراکنش مثل نام دریافت‌کننده، شماره کارت، مبلغ، ساعت یا تاریخ در رسید اشتباه وارد شده باشد. از طرفی تراکنش‌های بانکی عموما مبلغی غیررند دارند، اما رسیدهای جعلی بیشتر یک مبلغ رند و مضربی از ۱۰۰ یا ۱۰۰۰ هستند.

این وکیل دادگستری ادامه می‌دهد: اغلب رسیدهای جعلی دارای تفاوت سایز نوشته، نوع فونت و حتی رنگ هستند. اگر کمی دقت کنید، ایرادات ظاهری آن به چشمتان می‌آید و می‌توانید رسید جعلی را شناسایی کنید.

رویداد

فرار عجیب از کانون اصلاح و تربیت

چند ساعت پس از فرار ۹مددجو از کانون اصلاح و تربیت کرمانشاه، ۳نفر از فراریان توسط پلیس دستگیر شدند.

به گزارش همشهری، این فرار عجیب عصر پنجشنبه گذشته رخ داد. کانون اصلاح و تربیت کرمانشاه، جایی است که مجرمان زیر سن قانونی در آنجا نگهداری می‌شوند و عصر پنجشنبه بود که ۹نفر از آنها توانستند فراری عجیب را رقم زده و از کانون اصلاح و تربیت بگریزند.

براساس اعلام مرکز رسانه قوه قضاییه، این افراد که همگی در بند نوجوانان به سر می‌بردند از چند روز قبل نقشه فرار را کلید زده بودند. آنها طی چند روز اقدام به بریدن حفاظ پنجره نمازخانه کرده بودند و در نهایت عصر پنجشنبه توانستند با برداشتن حفاظ خود را ابتدا به محوطه کانون اصلاح و تربیت رسانده و پس از آن نیز از طریق دیوار فرار کنند.

تنها دقایقی بعد از فرار ۹مددجوی کانون و اصلاح و تربیت کرمانشاه بود که مسئولان کانون در جریان این حادثه قرار گرفتند و از همان زمان تحقیقات برای دستگیری فراریان آغاز شد و ساعاتی بعد ۳نفر از آنها با کمک دادگستری و پلیس دستگیر شدند و تجسس برای شناسایی و دستگیری سایرین ادامه دارد. مرکز رسانه قوه قضاییه همچنین ادعای مطرح شده در فضای مجازی مبنی بر بروز آتش‌سوزی در زندان کرمانشاه را کذب محض اعلام و تأکید کرد که حادثه فرار در کانون اصلاح و تربیت رخ داده نه در زندان کرمانشاه.